

از قائمشهر تا اردبیل ۲۳ ساعت در راه بودیم

انتشار مطلبی تحت عنوان "هر دم از این باغ بری می رسد" در سایت نشریه که در ارتباط با برخورد دست اندرکاران تیم فوتبال اردبیل با عیسی شهبازی دروازه بان اول تیم بود، عکس العمل های متفاوتی را موجب گردید. جمعی از اقدام و حرکات شهبازی حمایت کردند ، عده ای در تماس با دفتر نشریه از رفتار غیر حرفه ای مسؤولان گلایه نمودند و بعضی ها نیز عملکرد شهبازی را قابل قبول ندانسته و آن را توهین به فوتبال شهر تعبیر کردند. برخی ها نیز پا را از گلیم خودشان بیشتر دراز کردند و به نوعی با واسطه بیان داشتند که بر سر این قضیه از طرف نشریه پافشاری زیادی صورت نپذیرد . اگر به سفارش حضرات عمل نشود آنها نیز می توانند با کمک دوستانشان در برخی از رسانه ها بر علیه ما اقدام بکنند. وقتی این پیام ها دریافت شد ، گفتم نکند ما خبر نداریم از خودمان، در این فوتبال چه کاره ایم و چه کرده ایم که آقایان بگویند و افشا بکنند و در اطرافش مانور بدهند؟ رئیس هیات که نبودیم، مدیر عامل، سرپرست و سرمربی و تدارکات هم که اصلا ، کاری هم در مجموعه فوتبال نداشته ایم، نه سند امضاء کرده ایم و نه بازیکن منتقل نموده و نه با افراد قرارداد امضاء کرده ایم. حال آقایان برای زهر چشم گرفتن از ما به چه چیزی می خواهند اشاره بکنند. قبل از آنها خیلی ها به این کار اقدام کردند، مثلا آنهایی که فکر می کنند در فوتبال خان هستند و کاره ای ، ولی راه به جایی نبردند و چون حق نبودند رسوا شدند.

یک بار هم در جلسه کمیته تشخیص اهلیت شرکت کرده و یک ماه از تاریخ آن نگذشته، آمدیم ، نوشتیم و به اشتباه خود اعتراف کرده از جامعه ورزشی عذر خواهی کردیم. حالا بگذارید ما حقایق موجود در ورزش را بنویسیم و هر یک از عزیزان که حرف های ما به قبایشان بر بخورد، مختار هستند که هر اقدامی دوست داشته باشند، انجام بدهند. آنها بدانند که یک خودکار و چند صفحه ای کاغذ داریم که جرئت گرفتن آنها را از دستمان ندارند و نخواهند داشت.

برخی ها زمانی برای رام کردن مخالفان به تماشاگران حاضر در ورزشگاه اشاره می کردند و می گفتند: "اینها طرفداران ما هستند ، هر حرکتی که بر خلاف خواست و نظر ما انجام بپذیرد آنها عکس العمل نشان می دهند و طرف را بی آبرو می کنند"، و ممکن است امروز به

وسیله ای دیگر متوسل شوند. بدانند که هیچ ایرادی نیست و برای انجام هر کاری برای جواب دادن به نوشته های ما آزاد هستند. و اما اتفاق روی داده در قائم شهر ابعاد مختلفی دارد که در این فرصت کوتاه، پرداختن به بخشی از آن نمی تواند خارج از لطف باشد. این که شهبازی در حساس ترین بازی فصل در ازای پرداخت نشدن بخشی از حقوق و مزایایش حاضر به حضور در مسابقه نمی شود، از این بازیکن بومی جای گلایه دارد. انتظار بود که چنین رفتاری از وی مشاهده نشود. به او گفتم که در جویبار باید به میدان می رفتی و او در جواب ما گفت: تا روز بازی با جویبار همه بازیکنان نزدیک به 33 درصد از قرارداد خود را دریافت کرده بودند، اما عزیزان مسؤول تا آن تاریخ فقط 10 درصد از قرارداد من را پرداخت نموده و به عناوین مختلف و ایرادهای آنچنانی در هر نوبت وعده هایی که هیچکدام محقق نشده است به من داده اند. چرا در روزی که به همه بازیکنان از بابت قرارداد مبلغی واریز می شود فقط شماره کارت من مشکل دار می شود و اگر چنین بوده است چگونه بعد از تماس تلفنی من در روز بازی با جویبار در ساعت 30/10 قبل از ظهر به من اعلام می کنند که مشکل حل شده است و تا دقایق دیگر نسبت به واریز اقدام می شود.

به وی می گویم تنی چند از عزیزانی خارج از مجموعه باشگاه، مدعی اند که با شما تماس گرفته و پرداخت حق و حقوق تو را متقبل شده اند، به حرف آنها چرا اعتناء نکردی؟ می گوید: آنها نیز در یک سال گذشته از این حرف ها و وعده ها که هیچکدام عملی نشده است زیاد داده اند.

شهبازی در جواب سؤال ما که باید همکاری می کردی و آن بازی را نیز به میدان می رفتی، گفت: آنهایی که در تیم های ورزشی مسؤولیت دارند و سرو کارشان با نسل جوان می باشد باید در ادبیات گفتاری خود نهایت دقت را به عمل آورند. وقتی در جواب حرف های من که در ارتباط احقاق حق است به تندی به بگویند که بازی نکنی چه می شود؟ برو پولت را بگیر!! مسلم است که در قبال این برخوردها و این گونه رفتارها، جوان نیز احساساتی شده و تصمیماتی می گیرد..

به او می گویم که تو به عنوان بازیکنی که از هفته چهارم معترض بوده ای و مانند برخی ها از اعضای کادر فلنی عنوان رفت و برگشت را دریافت کرده ای چه نظری داری، گفت: همه رفتارهایی که در طول فصل از من سرزده است نتیجه رفتارها، وعده ها و عملکرد کسانی است که در مقاطع مختلف مسؤولیت تیم را بر عهده داشته اند. این رفت و برگشت ها فقط مختص من نبوده، بازیکنان دیگری نیز بودند که یک روز آقایان عذرش را خواستند و عدم نیازش را امضاء نمودند و روز

دیگر برای بازگشتش التماس نمودند.

وی در ادامه می گوید: آخرین شاهکار آقایان ، پیاده کردن من از اتوبوس حامل بازیکنان در سرمای زمستان در شهر غریب و به امان خدا رها کردنم بود. آن شب محبت یکی از بازیکنان شامل حال من شد و علی سلیمانی نیز با پیاده شدن از اتوبوس تنه‌ایم گذاشت ولی خدا می داند که در آن شب سرد چگونه شهر به شهر برای تامین وسیله نقلیه به آب و آتش زدیم و در نهایت بعد از 23 ساعت زجر کشیدن توانستیم خود را به اردبیل برسانیم.

گوشه ای از حرف های عیسی شهبازی را نوشتیم و این حق را نیز به عزیزانی که در حرف های وی خود را مورد خطاب می دانند، قائل هستیم که اگر بخواهند حرف های آنها را نیز منعکس کنیم.

اما جدای از بحث ها در فوتبال ما کسانی هستند که نامشان به نحوی به این ورزش گره خورده و سال ها برای سربلندی آن زحمات زیادی را متحمل شده اند. تعارف اسدالهی یکی از این افراد است که خاک فوتبال را خورده و به خاطر آن از نظر شخصی نیز ضرر و زیان قابل توجهی را دیده است. بیان واقعیت ها در برخی از موارد نمی تواند پرده بر روی زحمات، بزرگی ها و تلاش های این عاشق فوتبال بکشد. تعارف اسدالهی ها زندگی خودشان را وقف فوتبال کرده اند و باید حرمت آنها حفظ شود و در برخی موارد از این بزرگان به عنوان سپر بلا استفاده نشود.